

در اواخر دوره ناصرالدین شاه کتابهای نفیسی در شرح شهرها، قرا و قصبات تالیف یافته که برپایه مدارک جغرافیایی مولفان قدیم و سفرنامه‌های گردشگران، همراهان شاه در سفرهای او و بازرگانان خارجی تدوین یافته و متضمن مطالبی است که به عنوان منابع دست اول این عصر فوق العاده اهمیت دارند.

از جمله این کتابها، مرآت البلدان است. از مجموعه چهارجلدی کتاب، تنها قسمت اول و چهارم مربوط به جغرافیا و دو جلد دوم و سوم آن، شرح سلطنت سی ساله ناصرالدین شاه است. در یگا که مرآت البلدان ناتمام مانده و در این تالیف عظیم، اعتمادالسلطنه، در زمینه جغرافیا از چهار جلد (در حقیقت دو جلد) تجاوز نکرده و جلد اول تا حرف «تا» و چهارم کتاب، با حرف «ج» یعنی کلمه «جی» خاتمه یافته و بقیه مطالب نانوخته مانده است.

اما اطلاعات مربوط به بجنورد که موضوع معرفی کتاب حاضر - کتابچه نفوس این شهر و اطراف آن است - در جلد اول کتاب مرآت البلدان در صفحات ۲۷۰ تا ۲۷۷ مندرج است.

اعتمادالسلطنه قبل از آنکه جلد چهارم کتاب مرآت البلدان را تالیف کند، در اثنای جمع‌آوری اسناد

و مقارن اختتام مجلدات تاریخ منتظم ناصری بود که ناصرالدین شاه عزم سفر خراسان کرد. اعتمادالسلطنه نیز - که سالها در داخل و خارج، ملتزم رکاب بود - در سال ۱۳۰۰ ق، در سفر دوم شاه، همراه او به خراسان رفت و در تمام مدت چهار ماه و سه روز سفر، اطلاعات وافی و کافی از اغلب مکان‌ها، بقعه‌ها، مسجدها و آنچه را خود به چشم دیده بود، در کتاب مطلع الشمس گردآوری کرد.

کتاب مطلع الشمس، در حقیقت دانشنامه بزرگی است که به لحاظ دارا بودن اطلاعات بسیار گسترده و متنوع در جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، هنر و دیگر زمینه‌ها، از اهمیت و اعتباری کم مانند برخوردار است. مؤلف، در این اثر ضمن معرفی شهرها، دهکده‌ها و حتی آبادی‌های کوچک و کم‌اهمیت، به تمام ویژگی‌های جغرافیایی آنها از قبیل آب و هوا، نژاد مردمان، تعداد خانوار، مغازه‌ها و نوع پیشه صاحبان آنها دقیقاً اشاره می‌کند. از سودمندی‌های دیگر کتاب آن است که وجه تسمیه اغلب نامجاها را ذکر می‌کند که ضمن اهمیت جغرافیایی، از لطف و جذایت خاص برخوردار است در این کتاب - از صفحه ۱۱۴ تا ۱۴۱ - مؤلف آنچه اطلاعات درباره بجنورد بدست آورده، نگاشته است.

در کتاب روزنامه سفر خراسان نوشته حکیم‌الملک؛ پیشخدمت‌باشی سلام - که سمت وزارت و عضویت خاص مجلس شورای کبرای دولتی را نیز داشته است - و در سفر اول

بررسی کتابچه

نفوس محال بجنورد و قلعه جات آن

○ علی کریمیان

ناصرالدین شاه به خراسان همراه او بوده و از روز دوشنبه چهارم ربیع‌الثانی ۱۲۸۴ ق. (ورود شاه به قرای بجنورد) تا پنجشنبه چهاردهم ربیع‌الثانی ۱۲۸۴ ق. که از حدود این شهر خارج شده‌اند، مطالبی در بیان اوضاع این شهر و آبادیهای آن درج گردیده است. همچنین کتاب روزنامه سفر خراسان نوشته قهرمان میرزا است - که او نیز، از همراهان ناصرالدین شاه در سفر دوم خراسان می‌باشد - مانند دیگر سفرنامه‌نویس‌های همراه شاه از روز شنبه ۱۵ شهر رمضان ۱۳۰۰ ق. وارد خطه بجنورد شده تا روز چهارشنبه ۲۶ رمضان همان سال از این قلمرو خارج شده ضمن ملتزم رکاب بودن و نوشتن اخبار اردوی شاه، به معرفی شهرها، دهکده‌ها، کاروانسراها و... مسیر راه خود پرداخته است.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه نیز که یکی از همراهان ناصرالدین شاه در سفر دوم وی به خراسان بوده شرح آن مسافرت را از زبان شاه به نگارش درآورده و در همان روزگار به چاپ سنگی سپرد. و دو بار دیگر نیز به همان صورت چاپ و منتشر شد. این گزارش حاوی اطلاعات مفیدی درباره بجنورد می‌باشد.

بجز مطالب چاپ شده مذکور، کتابچه‌هایی چاپ نشده نیز موجود است که ظاهراً حاکمان ولایات،

مطالب آنها را برای تکمیل جلدهای بعدی مرآت البلدان، به مرکز ارسال کرده‌اند. این کتابچه‌ها، در اندازه‌های کوچک و بزرگ گرد آمده و در هشت دفتر به قطع رحلی مجلد شده است. شرح دقیقی از این هشت دفتر که کلاً در کتابخانه وزارت دارایی ثبت و ضبط گردیده در فرهنگ ایران زمین (جلد ششم سال ۱۳۳۷) ^۲ به قلم استاد فاضل ایرج افشار آمده و ایشان مشروحاً مندرجات هر دفتر را معرفی کرده‌اند.

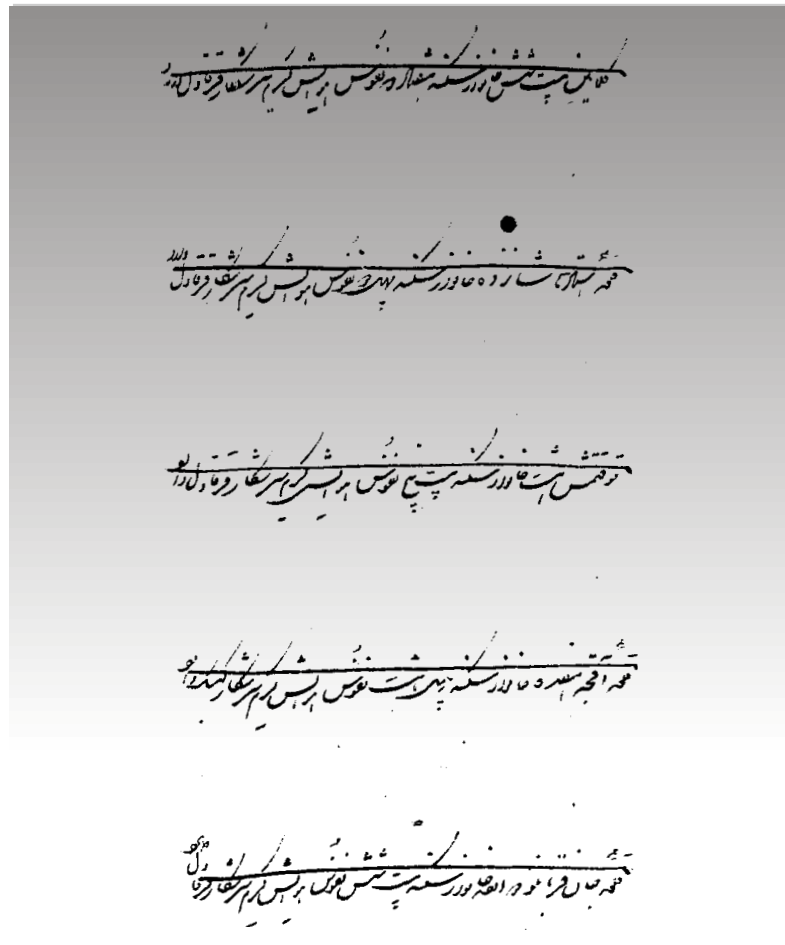
در جای جای این مجموعه، تصریح شده که مطالب کتابچه‌ها، به امر شاه قاجار یا به دستور اعتمادالسلطنه فراهم آمده و پیداست که چون همگی مربوط به جغرافیای ولایات مختلف و متضمن شمار نفوس و نوع معیشت و شرح حال عالمان و فاضلان و وصف بناها و آثار هنری و ذکر حدود و ویژگیهای شهرها و ولایات است، همان خمیرمایه کتاب مرآت البلدان بوده که اعتمادالسلطنه با همه دلبستگی به ادامه کار مرآت البلدان فرصت نیافته آن اطلاعات را تهیه و تنظیم و در مجلدات بعدی استفاده نماید. اصل این هشت جلد، چندین سال بعد به کتابخانه سلطنتی وقت (گلستان) منتقل شد.

به هر تقدیر چند سالی گذشت و همیشه تصور می‌شد که آن مجموعه همان هشت جلد است و کسی از دو جلد دیگر موجود در کتابخانه ملک، اطلاعی نداشت تا اینکه استادان گرانمایه ایرج افشار و دانش‌پژوه در هنگام فهرست‌نویسی آن کتابخانه در سال ۱۳۴۶ ش.

کتابچه نفوس محال بجنورد و قلعه جات اطراف «بخشی است از یکی از دو جلد کتاب خطی که محمدابراهیم امیر تیمور کلالی (سردار نصرت) به کتابخانه ملک اهداء کرده است. این دو کتاب مجموعه کتابچه‌هایی است که توسط دست‌اندرکاران و والیان شهرها و مناطق مختلف گردآوری شده است

از وجود دو جلد دیگر از آن مجموعه در کتابخانه آگاه شدند و از مندرجات آن، فهرست‌برداری کردند. این دو جلد به شماره‌های ۴۳۲۹ و ۴۳۳۰ در کتابخانه ملک ضبط و ریز فیلم (میکروفیلم) آن در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است، این نسخه‌ها را محمدابراهیم امیر تیمور کلالی (سردار نصرت) ^۲ به مرحوم ملک اهداء کرده است. نگارنده نیز پس از چاپ کتاب نفیس مشاهیر مطبوعات ایران، جلد اول، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تالیف پژوهشگر گرانمایه سیدفرید قاسمی از وجود این مجموعه آگاه شد و پس از رویت این دو مجموعه با التفات مسوؤلان کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (جناب آقایان دکتر برادران، رئیس کتابخانه، حجة الاسلام طالب الحق رئیس قسمت مخطوطات و همکاران ایشان آقایان نصری و رمضانی) توفیق دستیابی به این مجموعه فراهم گردید و در این مقال پس از معرفی اجمالی بجنورد، یکی از کتابچه‌های مضبوط در دو کتاب یاد شده، تحت عنوان کتابچه تعداد نفوس محال بجنورد و قلعه جات اطراف، شناسانده خواهد شد.

شهرستان بجنورد: در طول جغرافیایی ۵۰°، ۵۷° تا ۲۰°، ۵۶° عرض جغرافیایی ۲۰°، ۳۸° تا ۴۲°، ۳۶° واقع شده است. این شهرستان از شمال با جمهوری ترکمنستان به طول ۱۶۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. از مشرق به شهرستان شیروان، از جنوب به شهرستان اسفراین (ارتفاعات آلاداغ) و شهرستان سبزوار و از غرب به شهرستانهای گنبدکاووس و شاهرود محدود می‌شود و فاصله مرکزی این شهرستان تا مشهد ۲۴۴ و تا تهران ۸۱۷ کیلومتر می‌باشد. بجنورد در دشت واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۶۹۸ متر و وسعت آن در حدود ۱۷۲۴۵ کیلومتر مربع می‌باشد که ۵/۴۶ درصد از وسعت استان خراسان را به خود اختصاص می‌دهد. آب و هوای این شهرستان به علت وجود عوامل اقلیمی در نقاط مختلف متغیر است، لیکن در نواحی کوهستانی سردسیر و در نواحی جلگه‌ای معتدل است. جلگه‌ای که بجنورد را در بستر خود دارد از شمال غربی به مشرق کشیده شده است. بجنورد در دامنه کوه آلاداغ و ضلعوک قرار گرفته و در سمت راست آن کوه آق‌مشهد و در سمت چپش کوه خان‌بالغ واقع می‌باشد. در گذشته آب آشامیدنی شهر بجنورد، از رودخانه عین‌الطف تامین می‌شده و مزارع این شهر پربرتک و درختان میوه‌دار آن، شهره خراسان است. مردم بجنورد، بیشتر از کردهای شادلو و قراچورلو ^۳ و طایفه ترک‌گرایلی ^۴ هستند.



تصویر یک صفحه از نسخه دستنویس

طبق نظر نویسنده کتاب حدودالعالم من‌المشرق الی‌المغرب، خاستگاه نخستین شهر در محلی به نام «جر» یا «جرمگاه» یا «جرمغان» بوده که در اثر حمله مغول به کلی از بین رفته است. سپس شهر در جایی به نام «بیژن یورت» یا Yort Bizan به محل قبلی به مرور زمان اهمیت خود را از دست داده است.

در کتاب راهنمای خراسان سبب نامگذاری این شهر چنین بیان شده: «بجنورد در اصل بیژن گرد تلفظ می‌شده است و این اسم بسیار قدیمی می‌نماید زیرا «گرد» Gerd به معنی شهر و آبادی است و بنابراین بجنورد شهر بیژن معنی می‌شود. «بیژن گرد» بعدها به «بوزن گرد» و «بوزن جرد» و بعد به بجنورد تغییر شکل می‌یابد. زیرا در شمال غربی شهر کنونی، آثاری کهنه از شهر قدیمی به چشم می‌خورد که امروزه مردم محل آن را «بیژن یورت» می‌نامند، و می‌رساند که بجنورد قدیمی، در اینجا واقع بوده است. این تپه را مردم «کهنه کند» می‌نامیدند و این نام فارسی کهن در میان مردم کردزبان بجنورد حکایت از آن دارد که پیش از صفویه اینجا به عنوان بجنورد قدیمی و ویرانه‌ای تلقی می‌شده که شهر فعلی پس از آن ساخته شده است. نارین قلعه بر روی تپه «کهنه کند» از بناهای بسیار دیدنی است. عظمت و دقتی که در ساختمان نارین قلعه پدیدار است، نشان می‌دهد که بنای آن باید بسیار قدیمی باشد و شاید از آثار باقی‌مانده بیژن گرد باشد.

به گمان برخی از مولفان، نام شهر قدیمی که «بیژن یورت» بوده «یورت» و «یورد» Yord واژه‌ای است ترکی به معنای جا، مکان و منزل و... مجموع «بیژن یورت» به معنی شهری است که پایه اولیه بنای آن را فرمانروایی بیژن نام نهاده است. «بیژن یورت» همانطور که گفته شد به صورت «بیژن گرد» و سپس «گاف» آن تبدیل به «ج» و «بوزنجر» گردیده و در نهایت بر اثر تحریف «بجنورد» شده است.

مؤلف ایران نامک نیز بر این باور است که پیشوند «بج» در بجنورد، تغییر شکل یافته «بوجه» باستانی است «بوجه» واژه‌ای هند و ایرانی به معنی آب روان است. به نظر مؤلف کتاب پژوهشی در نام شهرهای ایران از آنجا که شهر بجنورد درون دشت ایجاد شده، از کوه‌های پیرامون خود، و در فاصله‌ای از کوهپایه که آن را به هیچ رودخانه دائمی دسترسی نبوده قرار گرفته و از روزگار باستان تاکنون به منابع آبهای زیرزمینی وابسته بوده است، برداشت نویسنده ایران نامک درست نیست، زیرا در کنار شهر بجنورد رودی وجود نداشته است که شهر مشرف به آن باشد و پیش از دوران صفویه که شاه‌عباس اول کردها را در سال

بجز مطالب چاپ شده (روزنامه سفر خراسان حکیم الملک، روزنامه سفر خراسان قهرمان میرزا، مطلع الشمس و مرآت البلدان اعتماد السلطنه) کتابچه‌هایی چاپ نشده نیز موجود است که ظاهراً حاکمان ولایات، مطالب آنها را برای تکمیل جلدهای بعدی مرآت البلدان به مرکز ارسال کرده‌اند... نسخه خطی معرفی شده در این مجموعه بخشی از آن کتابچه‌ها است که در کتابخانه ملک نگهداری می‌شود

۱۰۱۱ قمری به خراسان کوچانید، ایل شادلو در عصر شاه عباس و ایل قراچورلو در دوره نادرشاه افشار در این شهر سکنی گزیدند، شهری در میان نبوده است.

نویسنده مطلع الشمس درباره بجنورد می‌نویسد: «شهر بجنورد را تقریباً دویست سال قبل تولیخان دوم از اجداد یارمحمدخان سهام‌الدوله بنا کرده و اولاد و نبایر [نبیره‌های] تولیخان تا یارمحمدخان بر بنا و آبادی این شهر افزوده‌اند. در فتنه حسن‌خان سالار، بجنورد خراب شده باز به مرمت و عمارت آن پرداختند، این شهر که تقریباً مربع است دوازده برج در ضلع شرقی دارد. دوازده برج در ضلع جنوبی با دو برج طرفین، دوازده قبلی و بروج طرف شمالی برجهای ارگ است و... و ضلع غربی برج ندارد، و یارمحمدخان سهام‌الدوله در این اواخر ذرع بر تمام طول این ضلع افزوده و اینه و عمارات ساخته شده است. تمام دور شهر... پنج هزار و هفتصد و دوازده ذرع می‌باشد و خندقی نیز دور باروی شهر حفر کرده‌اند. بازار شهر عبارت است از یک خیابان وسیع طولانی که تقریباً در وسط شهر و از شمال به جنوب امتداد یافته است. بجنورد در این زمان شش مسجد، هفت باب حمام، یازده محله و چهار دروازه داشته است.

اعتمادالسلطنه در مورد آثاری

که از ارگ بجنورد در هنگام سفر ناصرالدین شاه باقی بوده، آورده است: قلعه ارگ بجنورد که قسمتی از آن باقیست از آثار برج و باره معلوم می‌شود که شکلاً مربع مستطیل بوده و طرف طول شش برج و دو طرف عرض چهار برج داشته. سوی دو برج طرفین، دو دروازه که یکی رو به جنوب و دیگری رو به شمال است و دروازه شمالی همان دروازه قوچان است... طول ارگ، از مغرب به مشرق و عرض از جنوب به شمال و مساحت هر برج با برج دیگر پنجاه قدم و محیط هر برج سی و سه قدم است، عمارت حکومتی مسکن آبا و اجداد یارمحمدخان سهام‌الدوله بود... (مطالبی که اعتمادالسلطنه در جلد اول مرآت البلدان درباره بجنورد آورده، نقل از روزنامه سفر خراسان تالیف علینقی حکیم‌الممالک است).

همانطور که گفته شد «کتابچه نفوس محال بجنورد و قلعه‌جات اطراف» بخشی است از یکی از دو جلد کتاب خطی که محمدابراهیم امیرتیمور کلالی (سردار نصرت) به کتابخانه ملک اهداء کرده است. این دو کتاب مجموعه کتابچه‌هایی است که توسط دست‌اندرکاران و ایلیان شهرها و مناطق مختلف گردآوری شده است.

اطلاعاتی که در هر یک از این کتابچه‌ها مندرج است از جهات مختلف با توجه به قلت منابع دست اول درباره ولایات و تواریخ محلی، در این برهه، فوق‌العاده حائز اهمیتند در ضمن

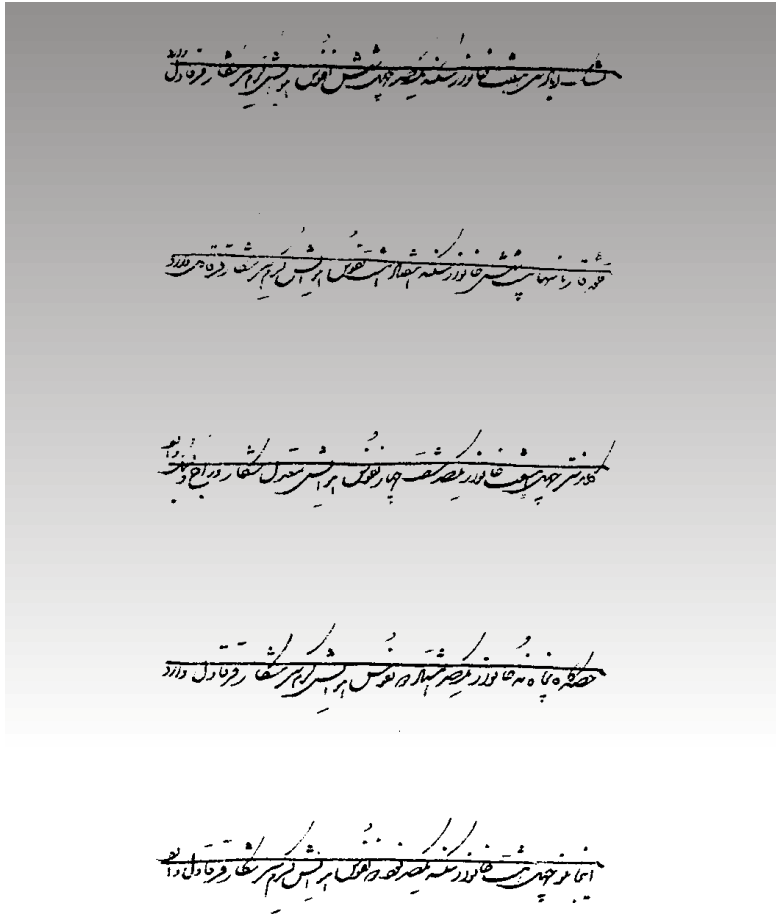
آنکه شاخص‌هایی از این مناطق معین می‌گردد که در مقایسه با آمار و ارقام این زمان قابل توجه است. کتابچه نفوس محال بجنورد به وسیله ایلیخان بجنورد یا به دستور وی در سی و یک صفحه به خط شکسته نستعلیق نگاشته شده و هر صفحه کتابچه، پنج سطر دارد، هر سطر درباره یکی از روستاها می‌باشد که اطلاعات مربوط به تعداد خانوار، نفوس، وضعیت آب و هوا و شکار در آن معین گردیده است. در این کتابچه، بجنورد به هفت بخش تقسیم شده که عبارت‌اند از: محال بجنورد و قلعه‌جات اطراف، کسبایر، مانه و سملقان، چهارده چناران و سمت شمالی بجنورد، جلگه شوقان، چهارده و سنخواست (سنگ خواست) و جاجرم. هریک از بخش‌ها نیز تعدادی قلعه داشته، و در مجموع بجنورد، در زمان گردآوری کتابچه، دارای ۱۴۳ قریه بوده است [در حال حاضر، ۴۸۶ روستا دارد].

در سبک نگارش این کتابچه، بین اعداد مرکب، حرف ربط «و» نیامده است، همچنین، قریه را قلعه نوشته و قریه‌های بازخانه را بازخوانه، ممور را رمو، میملجه را میمچه، کسبایر را کسه‌بایر، سنخواست را سنگ‌خواست و آهو را آرقالی [= آرغالی] و گورخر را گور نوشته است.

بجنورد هنگام تدوین کتابچه، دارای یک هزار و نهصد و هفتاد خانوار و هفت هزار و سیصد و هفتاد و هشت نفر جمعیت و کل قریه‌های آن، ۸۷۳۴ خانوار و ۳۰۹۹۷ نفر بوده است. در بین قریه‌های این شهر، جاجرم با ۴۰۰۰ خانوار و ۱۲۸۲ نفوس، بزرگترین وینگی قلعه با ۸ خانوار و ۲۴ نفوس، کوچکترین قریه بوده است. از جمله مسائل و آگاهی‌هایی که درباره قریه‌ها به دست می‌آید، وضعیت آب و هوای آنهاست که در سه نوع، معتدل، گرمسیر و بیلاقی، گزارش شده است. ۷۱ قریه، آب و هوای معتدل؛ ۳۷ قریه، آب و هوای بیلاقی؛ و ۳۲ قریه، هوای گرمسیر داشته است.

از دیگر مطالبی که در این کتابچه آمده، نوع شکار در این مناطق است که در ۷۹ قریه شکار کبک؛ در ۷ قریه شکار گورخر؛ در ۲۲ قریه، شکار قراول؛ و در ۱۵ قریه، شکار آهو و بزوحشی یافت می‌شده است.

در پایان، نمونه‌هایی از داده‌های آماری این کتابچه، با اطلاعات مندرج در دیگر منابع هم‌عصر مولف، به اختصار مقایسه می‌شود تا برتری مطالب آن در قیاس با منابع نظیر، بر خوانندگان روشن گردد.



تصویر یک صفحه از نسخه دستنویس

کتابچه نفوس محال بجنورد به وسیله ایلخان بجنورد یا به دستور وی در سی و یک صفحه به خط شکسته نستعلیق نگاشته شده و هر صفحه کتابچه، پنج سطر دارد، هر سطر درباره یکی از روستاها می باشد که اطلاعات مربوط به تعداد خانوار، نفوس، وضعیت آب و هوای و شکار در آن معین گردیده است

مقایسه بجنورد و چند محل آن

تطبیق جمعیت بجنورد و چند قریه و بخشهای وابسته	کتابچه	مطلع الشمس	فرهنگ جغرافیایی	جغرافیای شهرستان بجنورد (براساس آمار ۱۳۶۵)
بجنورد	۱۷۹۰ خانوار ۷۳۷۸ نفر	کمتر از ده هزار نفر	۴۷۸۰۰ نفر	۹۳۱۷۳ نفر
جاجرم	۴۰۰ خانوار ۱۲۸۲ نفر	-	۹۵۸۹ نفر	-
ینگی قلعه (دهستان کسبایر)	۸ خانوار ۲۴ نفر	-	۱۷ خانوار ۱۰۹ نفر	۱۳۴ نفر
باغچق	۲۵ خانوار ۱۲۰ نفوس	۵۰ خانوار	۴۵۰ خانوار ۱۶۱۰ نفر	۱۴۱۰ نفر
فیروزه	۱۲۰ خانوار ۳۸۲ نفر	۲۰۰ خانوار	۱۸۰ خانوار ۷۴۰ نفر	۵۷۷ نفر
کُرف	۱۵۶ خانوار ۵۴۲ نفر	۲۰۰ خانوار	-	۱۲۱۶ نفر

پی نوشت ها:

- ۱- ناصرالدین شاه بار اول در سال ۱۲۸۳ هـ. و بار دوم در سال ۱۳۰۰ هـ. ق به خراسان مسافرت کرد.
- ۲- افشار، ایرج: فهرست نسخ خطی کتابخانه وزارت دارایی، فرهنگ ایران زمین، جلد ۶، ۱۳۳۷ ش، صفحه ۵ تا ۳۸.
- ۳- محمدابراهیم امیرتیمور کالالی نماینده دوره های ۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳، کاشمر، ۶-۱۸ تون - طبس - فردوس - گلشن بود.
- ۴- شاه عباس صفوی پس از آن که بلاد خراسان را از وجود عبدالعزیز خان سترده، برای صیانت از حدود و ثغور این خطه مملکت از تاخت و تاز ازبکان، تصمیم گرفت اکراد جنگجو را از ولایات غربی بدین سامان کوچ دهد. لذا ایل چشمگرتک که در زمان شاه اسماعیل از نواحی دیار بکر و دریاچه وال به آذربایجان آمده بودند، در سال ۱۰۰۷ ق. از آذربایجان به جلگه ورامین و در سال ۱۰۱۱ ق. برای تقویت مناطق مرزی به خراسان انتقال داد، شدند و در نواحی ایبورد، اتک، چمچه، نسا، خط آخال و نوار مرزی شمال خراسان از سرخس تا شمال بجنورد استقرار یافتند.
- ۵- گرایلی (Gerayeli) از ترکان صحرائین اند که در زمان تسلط امیرتیمور گورکانی به منطقه قوچان که آن منطقه در اختیار اولاد او بود، در قوچان، شیروان، بجنورد، درگز، سملقان، جاجرم، جوین و بخش چغتای و غیره مسکن گزیدند و با آمدن کردها در سال ۱۰۱۱ ق، به مناطق داخلی کشور انتقال یافتند. عده ای به کاپوش رامیان و گرگان رفتند. در تاریخ رامیان آمده است که گرایلی های بام و صفی آباد، تحت سرپرستی ملاییک، در سال ۱۱۳۴ ق، به علت ناامنی ناشی از تاخت و تاز ازبکها، از طریق استرآباد به مازندران رفتند و در باغ نارنج و اطراف نکا ساکن شدند.
- ۶- در سال ۱۳۱۱ ق. زلزله ای در خراسان روی داد که عده زیادی از مردم این خطه کشته شدند. اعتمادالسلطنه در ذیل یادداشت های روزنامه خاطرات خود به تاریخ چهارشنبه ۱۲ جمادی الاولی سنه ۱۳۱۱ ق. در این باره می نویسد: «... شب شنبه هشتم حادثه عجیبی در خراسان روی داده است. زلزله سختی در بجنورد و مشهد شده است. در مشهد چندین خرابی نرسانده است اما دو ثلث بجنورد خراب و متجاوز از پانزده هزار نفر تلف شده اند و بلافاصله برف شدیدی قریب نیم ذرع باریده بود.

منابع:

- ۵- اعتمادالسلطنه، محمدحسن: سفرنامه دوم خراسان قاجار، تهران: انتشارات کاوش، ۱۳۶۳ ش.
- ۶- اعتمادالسلطنه، محمدحسن: روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش، چاپ چهارم.
- ۷- شریعتی، علی: راهنمای خراسان، [پی جا]: انتشارات الفبا، ۱۳۶۳ ش، چاپ دوم.
- ۸- قاسمی، سیدفرید: مشاهیر مطبوعات ایران، جلد اول، محمدحسن اعتمادالسلطنه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات بجنورد، ۱۳۷۹ ش.
- ۹- راهنمای شهرستان های ایران، زیر نظر ابراهیم صلاح عربانی، تهران: انتشارات سازمان فار، ۱۳۴۵ ش.
- ۱۰- رزم آرا، حسینعلی: فرهنگ جغرافیایی ایران استان نهم، ج ۹، [تهران]: انتشارات سازمان جغرافیایی ایران، ۱۳۳۹ ش.
- ۱۱- اداره جغرافیایی ارتش: فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران (غلامان - عشق آباد)، جلد ۱۹-۱۱، تهران: اداره جغرافیایی ارتش، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۲- توکلی مقدم، حسین: وجه تسمیه شهرهای ایران (بررسی معانی نامهای شهرهای ایران از دوران کهن تا عصر حاضر)، با مقدمه مهدی محقق، ج اول، تهران: انتشارات میعاد، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۳- صادقی، سلیمان: جغرافیای شهرستان بجنورد، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۴- افشار سیستانی، ایرج: پژوهشی در نام شهرهای ایران، [تهران]: انتشارات روزنه، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۵- شناخت استان خراسان، [تهران]: انتشارات هیرمند، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۶- بیات، عزیزالله: کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۷- نوبان، مهرالزمان: نام مکانهای جغرافیایی در بستر زمان، [پی جا]: انتشارات ما، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۸- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه دهخدا، ج سوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش، (چاپ اول از دوره جدید).
- ۱۹- انوشه، حسن: «بجنورد»، دایرة المعارف تشیع، ج سوم، تهران: بنیاد خیریه و فرهنگی سطا، ۱۳۷۱ ش.
- ۲۰- بینش، تقی: «زاوه، بجنورد، جوین (ترجمه از دایرة المعارف اسلامی)، نشریه فرهنگ خراسان، دوره هفدهم، شماره ۲.